

زین قندی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- فردا بریم خرید یا پس فردا؟
- فردا یا شنبه بهتره.
- پس فردا بریم.

🔴 نکته: در گفت‌وگویی بالا به دلیل رعایت نشدن نشانه‌نگارشی، مفهوم جمله دچار کژتابی معنایی شده است.

پس فردا درست است یا پس، فردا؟

- فردا بریم.
- پس، فردا بریم.
- پس فردا بریم.

#زین_قندی_پارسی

حتما همین طور است که شما می‌فرمایید، ما منتظر مرگ نیستیم؛ چون کرونا با دوستانش گرانی و بیکاری زندگی را برای ما طاقت‌سوز کرده‌اند! ما داریم زندگی می‌کنیم؛ پس امیدواریم، وقتی ناختمان را می‌گیریم و با آب و صابون دست‌هایمان را می‌شوئیم و ماسک می‌زنیم

یعنی قرار است به دیدن کسی برویم یا یکی به دیدن ما بیاید؛ پس امیدواریم و دنبال فردا هستیم. به عبارت دیگر فقط آن‌هایی که احتمالا دوستان خود را با آب و صابون نوازش نمی‌کنند و ماسک نمی‌زنند، امیدوار نیستند. پس با آب، آسمان، جنگل و پرند، دوست داشتن و عاشق شدن خدا حافظی می‌کنند! مثل رانندگانی که اتومبیل را به شدت متعرج، جاده را معصوم و خود را و هم‌راهان را از دیدن فردا محروم می‌کنند. نه، این نتیجه‌گیری سزاوار نیست. دودین با سرعت حتی غیرمجاز هم برای رسیدن به فرداست اما فردا متأسفانه با رانندگی غیراستاندارد میانه‌ای ندارد. مرگ ۶ نفر و متعرج شدن تن تن دیگر از سر نشینان پژو ۴۰۵ که ساعت نزدیک‌۵ بامداد همین شنبه از جهرم به شیراز می‌رفت، دلیل روشنی از خودونی ما در ناامید کردن امید است. راست این است که ما وقتی جابه‌جایی شویم یعنی از این خانه به آن خانه یا از این کوچه به آن خیابان می‌رویم، امیدواریم به موقعیت بهتری برسیم. اصلا به سفر می‌رویم تا در گریز از دغدغه‌های بی‌پایان کرونا و دوستان، احساس هوایی بخورد. بسیار خوب؛ وقتی پشت فرمان می‌نشینیم چمر راه رفتن چرخ‌های اتومبیل را به حساب چالاک‌ی پاهای خود می‌گذاریم و دودنده تر از باد جاده را جا می‌گذاریم و جوانی را زنده می‌کنیم ما که چهل، پنجاه یا شصت ساله و بیشتریم؟ می‌دانیم جوانی دوران دیوانگی، آزمون و خطاست. اما این راننده و آن راننده و آن یکی و این دیگر هم اصلا جوان نبودند که در لج و لعل بازی یا شاخ به شاخ شدن، توتن هم رفتند و ناگهان سر نشینان دو خوانواده، زنده بودن را در آستانه مقصد، وسط جاده جا گذاشتند. تاملی در آمار حوادث رانندگی، مرگ سالانه ۱۷ هزار نفر و نقض عضو بیش از ۱۰۰ هزار مسافر، حاکی

امید را ناامید نکنید در روزگاری ترحم!



فریدون صدیقی استاد روزنامه‌نگاری

از آن است که ما بدون حضور ماشین‌های فردا (یعنی خودروهایی که قابلیت‌های فراسرعت معمول دارند و با میزان رعایت اصول راهنمایی و رانندگی ازسوی جوانان ما تناسبی ندارد) در جاده‌های دیروزی (جاده‌های غیراستاندارد) خورابه کشتن می‌دهند. می‌دانید جنگل بدون بیر جنگل نیست و نیز می‌دانید رودخانه خالی بدون خروش است و خوب می‌دانید انسان با ترس و امید به دنیا می‌آید و با بیم و ترس هم می‌میرد؟ پس لطفا به چپ‌ها، سر نشینان و متعرج شدن تن تن دیگر از سر نشینان پژو ۴۰۵ که ساعت نزدیک‌۵ بامداد همین شنبه از جهرم به شیراز می‌رفت، دلیل روشنی از خودونی ما در ناامید کردن امید است. راست این است که ما وقتی جابه‌جایی شویم یعنی از این خانه به آن خانه یا از این کوچه به آن خیابان می‌رویم، امیدواریم به موقعیت بهتری برسیم. اصلا به سفر می‌رویم تا در گریز از دغدغه‌های بی‌پایان کرونا و دوستان، احساس هوایی بخورد. بسیار خوب؛ وقتی پشت فرمان می‌نشینیم چمر راه رفتن چرخ‌های اتومبیل را به حساب چالاک‌ی پاهای خود می‌گذاریم و دودنده تر از باد جاده را جا می‌گذاریم و جوانی را زنده می‌کنیم ما که چهل، پنجاه یا شصت ساله و بیشتریم؟ می‌دانیم جوانی دوران دیوانگی، آزمون و خطاست. اما این راننده و آن راننده و آن یکی و این دیگر هم اصلا جوان نبودند که در لج و لعل بازی یا شاخ به شاخ شدن، توتن هم رفتند و ناگهان سر نشینان دو خوانواده، زنده بودن را در آستانه مقصد، وسط جاده جا گذاشتند. تاملی در آمار حوادث رانندگی، مرگ سالانه ۱۷ هزار نفر و نقض عضو بیش از ۱۰۰ هزار مسافر، حاکی

بریده خوان

طلمس‌سنگ

زنگ در به صدا در می‌آید. نگاهی شتابان در آینه و گشودن در. دو نفرند. گویا یکی هشت ساله و دیگری در همان حول و حوش، پرچم سیاهی در دست دارند و نامی که بر آن در زمینه سیاه، سبز گلدوزی شده است؛ یا حسین! و کلام بعد از سلام اینکه: آقا برای هیئت کمک نمی‌کنید؟

در چشم‌های روشن هشت ساله غرق می‌شوم. تانیه‌ای چند و ۴۰ سال به پیش رانده می‌شوم. ۱۳۴۰ ه‍. ش و من پنج ساله با هم سن و سال‌های خودم در کوچه پس کوچه‌های پربانک. محرم از راه رسیده است و پرچمی سیاه به سبختی فراهم کرده‌ایم و دست‌های ۱۹ نفره با نوحه‌های نواوا و لهجه‌های خام چند کوچه‌ای را طلی می‌کنیم که ناگهان فریاد تنکی از بچه‌ها: «پاسبان‌ها آمدند!» مثل ترکش‌های نارنجکی رها شده هر کدام از سویی می‌گریزیم و دسته عزاداری در چشم به هم زدن‌ی از هم گسسته می‌شود. پاسبان‌های کلاتنری بر بانک فاتحانه به مقر خوش باز می‌گردند تا از سرکوب «اغتشاش» بچه‌های هشت نه ساله فاتحانه و حماسی گزارش تهیه کنند. کار خانه معصوم و متروک جوراب بافی با «هفت چنار» تاریخی‌اش، روزی چند نوبت چشم خمار شهادت دوخته است به جنگ و گریزی که مایچه‌ها، معنی‌اش رانمی‌دانیم اما مرد دل‌هایمان به حقیقتی یقین داریم که مثل بمب ساعتی تیک‌تاک می‌کند. آقا برای هیئت کمک نمی‌کنید؟

در چشم‌های روشن پسرک ۸ ساله غرق می‌شوم. .. بعدها، یعنی سال‌های آغازین پیروزی انقلاب، با تنی چند از همگان،

حدیث روز

چیزی که از ازنهتان بگاهد را بر زبان جاری نکنید.

(امام حسین(ع)

اذان ظهر ۱۲:۰۳

غروب آفتاب ۱۹:۰۱

اذان مغرب ۱۹:۰۹

نیمه شب شرعی ۲۳:۴۸

اذان صبح فردا ۴:۳۵

طلوع آفتاب فردا ۶:۰۳

Instagram

بهرام محمدی فرد

@Bahram.mohammadifard



ژست گرفتنتشان هم دیدنی بود، رو به غروب آفتاب ایستاده و نشسته، گریان و خندان، نوحه‌خوانی می‌کردند و کار گروه تلویزیونی که آمده بود گزارش‌ی بگیرد و برود را راه می‌انداختند. آن‌ها اصلا اهل روز نبودند و در تاریکی‌ها که دوربین ما کور است با آسمان حرف می‌زدند. ما در روز دنبال چه بودیم هنوز هم نمی‌دانم. من عاشق این ادا‌های آن‌ها بودم که تا خبرنگار یا عکاس عجل و کم‌حوصله‌ای را می‌دیدند با فیلم‌هایی که بازی می‌کردند، کارش را راه می‌انداختند که دست خالی باز نگردد. آن‌ها نیز صف‌صف‌های ما را خوب می‌شناختند که هر که برای چه آمده است. تازه به جاده‌ا هواز: خرم‌شهر رسیده بودیم و چند روزی استراحت برای شروع مرحله بعد عملیات، بچه‌ها را آماده می‌کرد تا با جانی دوباره به سمت خرم‌شهر راهی شوند. نوای آن روز نوحه‌خوانی‌شان یادم نیست ولی با غرق شدن در برق چشمانشان حال و روزم این روزها عوض می‌شود، درخششی که دیگر در چشمان کمتر کسی در این روزگار می‌بینم. . .

عکس روز

مراسم عزاداری شب عاشورا با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در شهرک شهید بهشتی مشهد برگزار شد.

عکس: مهدیه غفوریان | فوتوشهر

روزنامه شهرامید و زندگی

۲۴ صفحه ۲۱ صفحه ۴۰ صفحه ۳۶ صفحه ۱۰ صفحه ۰۶ صفحه ۰۹ صفحه ۴۴ صفحه شهرنما ۱۶ صفحه شهر را محله شماره ۱۳۸۹ ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

Instagram

میلاد عظیمی

@mi_lad_azimi



مادرچونم، مادر مادر، هر سال نذر داشت که عصر تا سوعا شربت بدهد. برای قوم و خویش و دوست و آشنا و همسایه شربت می‌فرستاد. البته بیشتر شربت سهم عزاداران دست‌ها بود. پس از درگذشت مادرچونم، مادر این سنت مادری را ادامه داد. با عشق و دلبستگی فراوان. امسال از قبل از ماه محرم مادرم نگران بود. بیماری اوچ گرفته بود. مادرم به خودش امید می‌داد که ممکن است وضع بهتر شود و بتواند بساط شربت عصر تا سوعایش را برقرار بدارد. گاهی هم نوید می‌شد. مردد و متحیر بود. دیروز عصر اما مادرم نوید شد. نوید نوید. تماس گرفت و گفت تصمیم گرفته شربت درست نکند، مبادا کسی بیمار شود. شاید هم می‌ترسید که کسی شربت امام‌حسین(ع) و حضرت ابوالفضل را پس بزند و یا با کراحت بپذیرد و بی‌حرمتی شود. وقتی خبر داد که امسال خبری از شربت نیست همه غم‌های عالم را در صدایش شنیدم. نتوانستم دلداریش دهم تا صفاش کم شود. الان مادرم به خانه ما آمد و قدری شربت آورد. همان شربت عصر تا سوعا. معطر و دلپذیر. با مزه خاطرات کودکی و لبخند مادرچونم. لبخند محوگونه اما همچنان مهربان و نوازشگر مادرچونم. . .



معادله پیچیده شهرها

در یکی دو هفته اخیر سرویس‌های بهداشتی مدرن توکیو با دیوارهایی شفاف توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. این سرویس‌ها که در حال حاضر در منطقه توکیو نصب شده‌اند دیوارهایی کاملاً شفاف دارند و می‌توان به‌طور دقیق داخل آن‌را مشاهده کرد. با ورود فرد و بستن در، دیوارها کاملاً مات می‌شوند. نصب این سرویس‌های بهداشتی در توکیو به‌طور مستقیم به کووید ۱۹ و کرونا ارتباطی ندارد و بخشی از برنامه المپیک بوده که قرار بود تابستان امسال در این شهر برگزار شود. هدف اولیه از طراحی این سازه‌ها، ایجاد اطمینان از امنیت و بهداشت آن‌ها، حتی پیش از ورود به آن است. این سرویس‌های عمومی مجهز به روش‌سویی، خشک‌کن و جاروکار و سیستم مدرن تهویه هوا نیز هستند. ژاپنی‌ها اما هنوز به حضور این کیوسک‌های بهداشتی مدرن عادت نکرده‌اند. نیویورک‌تایمز در یک گزارش میدانی از توکیو از شهروندان این شهر پرسیده است که آیا حاضر به استفاده از این سرویس‌های بهداشتی هستند یا نه. جواب اکثر این افراد منفی است، آن‌هم به‌دلیل ترس از عمل نکردن یا قطع شدن ناگهانی فناوری استفاده‌شده در آن‌ها. با این حال طراحان امیدوارند به‌تدریج اعتماد مردم به این سرویس‌های بهداشتی افزایش پیدا کند و آن‌ها هم بتوانند تعداد بیشتری از ابداع رنگارنگ و جذاب خود را در سراسر جهان بفروشند.

سرویس‌های بهداشتی خود یک مسئله است؛ تئایج یک پژوهش در رو‌هان چین که در نشریه معتبر نیچر هم منتشر شده نشان می‌دهد سرویس‌های بهداشتی (به‌خصوص موارد بدون تهویه) ممکن است محلی بالقوه برای انتقال ویروس کرونا باشند. مسئولان شهری در دوبلین، پایتخت ایرلند جنوبی، هم با این مشکل درگیر هستند اما هنوز ایده‌ای برای رفع آن پیدا نکرده‌اند. البته در مرحله اول تعداد سرویس‌های بهداشتی از طریق کانکس‌های آماده افزایش پیدا کرده است. سازمان پارک‌های شهرداری دوبلین به‌طور رسمی اعلام کرده است هیچ برنامه‌ای برای وضع فعلی نمی‌تواند ارائه کند. به همین دلیل شهرداری از شرکت‌های بخش خصوصی خواسته ایده‌های خود را برای رفع مشکل ارائه کنند تا هر چه سریع‌تر این مشکل حل شود. البته بحران سرویس‌های بهداشتی در دوبلین موضوع تازه‌ای نیست. به نقل از ایریش تایمز، در دهه ۱۹۹۰ میلادی سرویس‌های بهداشتی به‌دلیل مسائل بهداشتی و اجتماعی از شهر جمع شدند. از همان موقع تا کنون شهرداری‌ها با بودجه‌های صدها هزار یورویی تلاش کرده‌اند این مشکل را برطرف کنند اما هنوز به نتیجه نرسیده‌اند.

- روزنامه فرهنگ- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان
- شهید، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۷۲۸۹۰۳۰۰
- چاپ: شهر چاپ خراسان

تکلیف بعد از عاشورا

غلامرضا بنی‌اسدی

این عاشورا هم به پایان رسید و باز ما در آغاز دیگری قرار گرفتیم، آغازی که قطعاً باید در صراط مستقیم حسین(ع) باشد، در مسیر ابا عبد... کنیه‌ای که یک دنیا حرف دارد و یک جهان معرفت، حسین، ابا عبد... است، پدر بندگی خدا. قطعاً هر کس می‌خواهد نسبت فرزندی با امام داشته باشد، باید در بندگی خدا قامت کشد. این تنها نیستی است که ماندگار است و گر نه نسبت‌های خونی که به تیغ تیت پیدا گرفتار آمده است، در تاریخ داریم. همین باید ما را بر آن دارد که راه خود را درست انتخاب و شیوه زیستی خود را چنان سامان دهیم که به عنوان «عبد» خدا، در شمار «عبد...»‌هایی قرار گیریم که سیدالشهدا با نسبت «ابا» برای آن‌ها «مکنی» شده‌اند. برای رسیدن به مقام بندگی خدا نیز باید همه بندهای بردگی را گشود، چه اینکه آدمی دو راه بیشتر پیش رو ندارد. اگر به مقام بندگی نرسید، حتماً در اسارت بردگی چنان گرفتار خواهد شد که غل‌وزنجیر هر روز پیش از دیروز بر دست و پایش محکم شود. باورمند عاشورا و کسی که سال معرفتی خود را با محرم آغاز می‌کند، هر سال باید گامی افزون‌تر به پیش بردارد. منظور از گام‌ها هم رفتار و کرداری است که خداوند ذیل واجب و مستحب تعریف فرموده است. عمل به این‌ها و پرهیز از هر آنچه حرام و حتی مکروه نام دارد، تکلیفی است که مکلف را بر مدار بندگی به حرکت وامی‌دارد. اهالی عرفان و رسیدگان به مقام نظر، نه تنها از حرام و مکروه که حتی از مباح هم چشم می‌پوشیدند و همه حرکات و سکناتشان در ۲ عنوان واجب و مستحب دسته‌بندی می‌شد. با تراز ی چنین می‌توان در شمار عبادی قرار گرفت که رابطه فرزندی با امام حسین(ع) دارند. ما هم تا می‌توانیم باید با این تراز‌ها رفتار خود را تنظیم کنیم و تا می‌توانیم از حرام روی برگردانیم و واجبات را انجام دهیم تا ما را به جمع فرزندان حسین(ع) راه باشد. باری، عاشورا گذشت، اما راه عاشورایی شدن همیشه باز است. شتاب کنیم برای رسیدن به کاروانی که در حرکت است. . .

تاریخ‌نگار

زمین‌لرزه هولناک جنوب خراسان



رضا سلیمان نوری

زمین‌لرزه یکی از بدترین بلایای طبیعی محسوب می‌شود. بلایی که بارها و بارها جان تعداد بسیار زیادی از مردم را در چشم‌برهم‌زدنی گرفته و خانواده‌های بسیاری را یا کاملاً نابود کرده یا برای همیشه داغدار نموده است. تاریخ نشان داده که این بلا اغلب به یک‌باره نازل می‌شود و یک محدوده جغرافیایی را کن‌فیکون می‌کند و تنها در موارد نادری است که فاصله‌ای بسیار کم از منظر چند زلزله‌خانمان برانداز، در یک محدوده جغرافیایی رخ می‌دهد؛ زلزله سال ۱۳۴۷ در جنوب خراسان از این معدود موارد است. ابتدا ۹ شهریور منطقه دشت بیاض و خاک‌د ر لرزشی ۷/۱ ریشتری یا خاک یکسان در حدود ۲۱ ساعت بعد در ۱۰ شهریور ۱۳۴۷، زمین‌لرزه‌ای ۴/۶ ریشتری شهر فردوس را که در اثر زلزله دشت بیاض اندکی آسیب‌دیده بود، تقریباً به‌طور کامل ویران کرد. کشته‌شدگان این دو زمین‌لرزه در آمارهای مختلف، بین ۷ هزار تا ۱۲ هزار نفر ذکر شده است و در اثر آن، حدود ۱۲ هزار خانه مسکونی ویران و حدود ۷۰ هزار نفر بی‌خانمان شدند. همچنین در زمین‌لرزه ۱۰ شهریور، قسمت بزرگی از شهر باستانی «تون» به کلی ویران شد. نکته غم‌انگیز آنکه برخی از مجروحان زلزله ۹ شهریور دشت بیاض که برای معالجه به فردوس منتقل شده بودند، در جریان زلزله فردوس در بیمارستان کشته شدند. این حادثه به حدی کشور را بهت‌زده کرد که هویدا، نخست‌وزیر وقت، ۱۰ شهریور و پهلوی دوم، ۱۳ شهریور در محل حاضر شدند و دستورات لازم را برای رفع مشکلات بازماندگان از زلزله صادر کردند. دستوراتی که اغلب اجرا نشد تا اینکه مراجع تقلید و خاستار حضور نیروهای مردمی در صحنه شدند و بدین‌گونه شخصیت‌هایی چون رهبر انقلاب و دکتر شریعتی برای کمک به آسیب‌یادگان راهی این مناطق شدند تا با سامان‌دهی کمک‌های مردمی و با استفاده از ظرفیت‌های محلی، در راه رفع مشکلات مردم حادثه‌دیده قدم بردارند.